



مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران



**تقویم و روز شمار ماه محرم**

- ۱ محرم: آغاز سال هجری قمری
- ۹ محرم: تاسوعا
- ۱۰ محرم: عاشورا
- ۱۲ محرم الحرام: شهادت امام سجاد(علیه السلام)
- ۲۳ محرم الحرام: تخریب حرم عسکریین (ع) در سامراء (۳ اسفند ۱۳۸۴ ش)، (سال ۱۴۲۷ هجری قمری)
- ۲۳ مرداد: روز مقاومت اسلامی
- ۲۴ مرداد: آغاز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی (۱۳۶۹ ه.ش)

اگر دین محمد جز بکشتن من استقامت خود را نمی یابد  
پس ای شمشیر نام را در یابید

**در این شماره اسوه می خوانیم:**

شهید «حسن اجاره دار» از قاب اسوه	نور محبت حسین (علیه السلام)؛ مصباح الهدی است
خود آگاهی اسلامی در محور مقاومت	راه مبارزه با ستمکاران تاریخ به وسیله امام حسین (علیه السلام)
درسی از قیام امام حسین (علیه السلام)	اگر پیغمبر در این مجلس بود، چه می گفت؟
نقش یهود در تحریف واقعی کر بلا	سبک زندگی کوثری (قسمت سی و پنجم: سوره عبس)
دعای عهدشان را چگونه زمزمه می کردند...؟!	تربیت در محیط رفاقتی (قسمت هشتم)



# نور محبت

## حسین (علیه السلام)؛ مصباح الهدی است

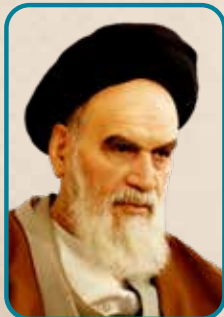
فخری مرجانی

امروز دشمنان اسلام می‌خواهند از همان راهی که جامعه اسلامی زمان امام حسین (علیه السلام) را به انحراف کشیدند، جمهوری اسلامی ایران را نیز به انحراف بکشند. و آن راه‌ها؛ تبلیغ، تهدید و تطمیع است.

البته دشمنان اسلام امید چندانی به موفقیت در عرصه نظامی برای درهم شکستن استقامت ملت ایران و تطمیع کردن ندارند و برنامه‌های خود را به ویژه بر عرصه فرهنگی و تبلیغ معطوف کرده‌اند که ابزاری بسیار اثرگذار و خطرناک است. از آن طرف چشم امیدشان به حمایت غربزدگان و لیبرال مسلکان داخلی نیز هست. توطئه کشف حجاب، کودتای فرهنگی دشمنان برای تغییر هویت دینی ملت ایران است که به لطف الهی و با بصیرت انقلابی ملت ایران همچون سایر توطئه‌های آنان با شکست مفتضحانه مواجه خواهد شد؛ زیرا ریشه بسیاری از بدپوششی‌ها و بی‌عفتی‌ها و عوارض و تبعات نامطلوب آن در این است که دختران ما بعضاً هویت دخترانه و انسانی خود را گم کرده و در این آشفته بازار فضای مجازی گرایش به فرهنگ غربی پیدا کرده‌اند. بر این اساس باید گفت که کمک به هویت‌یابی دختران و زنان بسیار حائز اهمیت است و این باور باید در اذهان تقویت شود که راه عزت و کرامت و سعادت چیزی جز عمل به آموزه‌های ناب دینی نیست. بنابراین عزم راسخ و جدیت نیروهای فرهنگی در تبلیغ دین مبین اسلام که حقیقتاً روشنایی بخش دل‌ها و راه‌هاست بسیار حائز اهمیت است. علامه مصباح یزدی (رحمت‌الله‌علیه) در این باره می‌فرمودند: «اگر حسین (علیه السلام) «مصباح هدی» است، و نور هدایت را به دل‌های مردم می‌تاباند، و راه را برای مردم روشن می‌کند، در این زمان هم باید از نور حسین (علیه السلام) استفاده کرد.» (علامه مصباح یزدی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، ص ۶۲)

حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نیز پس از خنثی‌سازی کودتای نوژه طی سخنانی در ۲۰ تیرماه سال ۱۳۵۹ درباره این کودتای نافرجام، با احمق خطاب کردن عاملان کودتا فرمودند: «این توطئه‌ای بود که حتی اگر موفق به کشف هم نشده بودیم و آنها موفق شده بودند مکانهایی را هم بمباران کنند باز کاری پیش نمی‌بردند و مردم آن را خفه می‌کردند... ما از این اقدامات احمقانه نمی‌ترسیم.»

امروز نیز مطمئناً دشمنان احمق ملت ایران در این کودتای فرهنگی کاری از پیش نخواهند برد و باز همچنان پیروزی از آن ملت مسلمان و با بصیرت ایران خواهد بود.



با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت.

صحیفه امام خمینی (رحمت الله علیه)؛ ج ۵، ص ۷۵

# راه مبارزه با ستمکاران تاریخ به وسیله امام حسین (علیه السلام)

# اگر پیغمبر در این مجلس بود، چه می گفت؟

مدت توقف اهل بیت در شام بسیار بر آنها سخت گذشته است و این روایتی است از حضرت سجاد علیه السلام که از ایشان سؤال کردند که آقا! در میان موافقی که بر شما گذشت، از کربلا، کوفه، بین راه، از کوفه تا شام، از شام تا مدینه، کجا از همه جا بیشتر بر شما سخت گذشت؟ ایشان فرمود: الشام، الشام، الشام؛ شام از همه جا بر ما سخت تر گذشت و علت آن ظاهراً بیشتر آن وضع خاصی بود که در مجلس یزید برای آنها پیش آمد. در مجلس یزید حداکثر اهانت به آنها شد. امام سجاد فرمود: ما دوازده نفر بودیم که ما را به یک ریسمان بسته بودند، یک سر ریسمان به بازوی من و سر دیگر آن به بازوی عمه ما زینب بود و با این حال ما را وارد مجلس یزید کردند، آنهم با چه تشریفاتی که او برای مجلس خودش مقرر کرده بود. در همان حال جمله‌ای امام سجاد به یزید فرمود که او را عجیب در مقابل مردم خجل و شرمنده [کرد] و سرکوفت داد. انتظار نداشت اسیر چنین حرفی بزند. فرمود: یزید! أَتَأْذِنُ لِي فِي الْكَلَامِ؟ اجازه هست یک کلمه حرف بزنم؟ گفت: بگو ولی به شرط اینکه هذیان نگویی. فرمود: شایسته مثل من در چنین مجلسی هذیان گفتن نیست. من یک حرف بسیار منطقی دارم. تو به نام پیغمبر اینجا نشسته‌ای، خودت را خلیفه پیغمبر اسلام می‌دانی، من سؤال فقط این است (البته این را حضرت می‌خواست بفرماید تا مردم دیگر را متوجه و بیدار کند) اگر پیغمبر در این مجلس بود و ما را که اهل بیتش هستیم به این حالت می‌دید چه می‌گفت؟

شهید مرتضی مطهری، کتاب آشنایی با قرآن، صص ۵۸-۵۷





# سبک زندگی کوثری

## (از ناس تانباً): عَبَسَ

دکتر زهرا خلخالی

zahrahalkhali45@yahoo.com

تَعْلِيمِ رَسُولِ خُدا، پایانی سوره تکویر بود و اکنون همین رسول عزیز که در دیدار با اعماء اندک «عَبَسَ وَ تَوَلَّى» نموده را نگوئیم می کند و «لَعَلَّهُ يَرْكَبِي» این اندک ترش رویی را، بر نمی تابد پس برای «فَتَنَّفَعَهُ» و «لَعَلَّهُ يَرْكَبِي» باید از استغناء دوری کرد، زیرا قرآن تذکره است و «بِأَيْدِي سَفَرَةٍ» می باشد. بر انسانی که قدر این کتاب را نمی داند و اهل تکذیب است، فریاد «قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ» بلند می شود و با «مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ» تحقیر می گردد تا درست بنگرد و درست بیند که «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ» از مهمترین محورهای این سوره است.

سوره عبس آغاز می شود با بحث تزکیه و تذکر برای انسانی که «ما أَكْفَرَهُ» نیست و استغنا نمی جوید و در مقابل، از الگوی «وَهُوَ يَخْشَى» پیروی می کند، و سوره تکویر این تذکر را «ذَكَرُوا لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» هستند.

تَعْلِيمِ رَسُولِ خُدا، پایانی سوره تکویر بود و اکنون همین رسول عزیز که در دیدار با اعماء اندک «عَبَسَ وَ تَوَلَّى» نموده را نگوئیم می کند و «لَعَلَّهُ يَرْكَبِي» این اندک ترش رویی را، بر نمی تابد پس برای «فَتَنَّفَعَهُ» و «لَعَلَّهُ يَرْكَبِي» باید از استغناء دوری کرد، زیرا قرآن تذکره است و «بِأَيْدِي سَفَرَةٍ» می باشد. بر انسانی که قدر این کتاب را نمی داند و اهل تکذیب است، فریاد «قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ» بلند می شود و با «مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ» تحقیر می گردد تا درست بنگرد و درست بیند که «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ» از مهمترین محورهای این سوره است.

سوره عبس آغاز می شود با بحث تزکیه و تذکر برای انسانی که «ما أَكْفَرَهُ» نیست و استغنا نمی جوید و در مقابل، از الگوی «وَهُوَ يَخْشَى» پیروی می کند، و سوره تکویر این تذکر را «ذَكَرُوا لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» هستند.

### سوره شناسی سوره عبس

آمدن ابن امکتوم چهره در هم کشید، و خدای تعالی او را مورد عتاب قرار داد که چرا از یک مردی تهی دست چهره در هم کردی؟ از طرق شیعه هم روایاتی به این معنا اشاره دارد. ولی در بعضی دیگر از روایات شیعه آمده که مردی از بنی امیه نزد آن جناب بوده، و او از آمدن ابن امکتوم چهره در هم کشید، و آیات، در عتاب او نازل شد. و به هر حال غرض سوره، عتاب هر کسی است که ثروتمندان را بر ضعفاء و مساکین از مؤمنین مقدم می دارد.<sup>۱</sup>

**تفسیر روایی:** علی بن ابراهیم: وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى؛ منظور ابن امکتوم است.<sup>۲</sup> محمد بن فضیل از امام کاظم (علیه السلام) نقل می کند که این آیه: كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ رَا از ایشان پرسیدم. فرمود: «منظور ولایت است»<sup>۳</sup> ابو ایوب حداء از امام صادق (علیه السلام) درباره ی آیه: بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ؛ نقل می کند که فرمود: «آن ها امامان (علیهم السلام) هستند».<sup>۴</sup> امام صادق (علیه السلام) - قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ؛ این انسان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. مگر چه کرده بود، گناهش چه بود که او را کشتند؟<sup>۵</sup>

**فضیلت قرائت:** پیامبر صلی الله علیه و آله: هر کس سوره عَبَسَ را قرائت کند، در روز قیامت در حالی خواهد آمد که شادمان و خندان است.<sup>۶</sup> امام صادق علیه السلام: در بهشت زیر پرچم و سایه خداوند و مشمول کرامت خداوند خواهد بود.<sup>۷</sup>

**شماره سوره:** هشتادمین سوره (۳۵ از آخر) مکی؛ ۴۲ آیه

**نام های دیگر:** اعمی، سفره

**شرح لغات:** عَبَسَ: روی درهم کشید؛ صُحِفَ: جمع صحیفه؛ ورقه نوشته؛ مَكْرَمَةٌ: بزرگ و منزهش داشت؛ ایدی: جمع ید: دست، نعمت؛ سَفَرَةٌ: جمع سافر: نویسنده، نویسنده حکمت؛ بَرَرَةٌ: جمع بار: نیکوکاری که نیکیش سرشار و جالب خیر باشد. ما اکفراه: کفر را گزید و ناسپاسی کرد؛ الصَّاحَةُ: صدای گوش خراش، پیشامد هولناک؛ مُسْفِرَةٌ: صبح روشن شد؛ مُسْتَبْشِرَةٌ: دریا بنده خوشی های پی در پی و آینده؛ غَبَرَةٌ: غبار آلود؛ تَرْهَقُ: شتافت، ستم و زشتی کرد؛ قَتَرَةٌ: دود غلیظ؛ فجره، جمع فاجر: گناه پیشه

**سوره زوج:** إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

**گروه:** سوره آغاز شده با فعل ماضی: تَبَّتْ، سَأَلَ سَائِلٌ، قَدْ سَمِعَ، إِفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ

**محور موضوعی:** نحوه نگرستن و اهمیت آن؛ ابتدا نگرش از روی عتاب به فقرا؛ به قرآن، آفرینش انسان، طعام، قیامت، به تفاوت چهره ها در قیامت.

**شأن نزول:** روایاتی از طرق اهل سنت وارد شده که این آیات درباره داستان ابن امکتوم نابینا نازل شد، که روزی بر رسول خدا (ص) وارد شد در حالی که جمعی از مستکبرین قریش نزد آن جناب بودند و با ایشان در باره اسلام سخنان سری داشتند، رسول خدا (ص) از

۱- طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۶۳  
 ۲- تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۷، ص ۳۷۴  
 ۳- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۸  
 ۴- همان، ص ۹۰  
 ۵- المناقب، ج ۳، ص ۱۰۳  
 ۶- طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۶۱



# تربیت در محیط رفاقتی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت هشتم

بُرد عمل در تأثیرگذاری از بُعد لفظی بالاتر و قوی تر است. رفاقتی را انتخاب کن که کار خیر کند، از آن طرف از شرّ پرهیز کند. به تو آموزش عملی بدهد.

## دوست «امر و نهی کن» بهتر از دوست «چاپلوس و متملق»

در روایات ما در باب رفاقت، هر سه مطلب را داریم. من روایت را می خوانم، دقت کنید.

قولی و زبانی علی (علیه السلام) می فرماید: «صَدِيقُكَ مَنْ نَهَاكَ...» دوست تو آن کسی است که اگر خواستی معصیت کنی، تو را نهی کند. اگر خواستی کار زشت کنی، به تو بگوید نکن! حرام است، معصیت است، تو را نهی از منکر کند. «وَعَدُوُّكَ مَنْ اَعْرَاكَ» دشمن تو آن است که اگر خواستی کار زشت انجام دهی، تو را فریب دهد و مغرورت کند. چه به امر شر دعوت کند، چه اگر کار زشتی انجام دادی، تو را تشویق کند.

## کمک کار برای اطاعت الهی

اما دوم، از علی (علیه السلام) است: «الْمُعِينُ عَلَي الطَّاعَةِ خَيْرُ الْاَصْحَابِ» بهترین دوستان کسی است که برای اطاعت الهی کمکت کند. تو داری طاعت الهی انجام می دهی، عملی انجام می دهی که مورد رضای خداست، آن کسی که به تو کمک کند، بهترین رفیق توست.

## دوستی با نیکان، بهترین وسیله نجات از بدی ها

سوم آنکه از نظر رفتاری به من روش بدهد، نه اینکه مرا لفظی کمک کند، عملاً مرا تربیت کند. علی (علیه السلام) فرمودند: چیزی بهتر از دوستی با خوبان، انسان را به عمل خیر دعوت نکرده و او را از شر نجات نمی دهد.

پیش آمده که بخواهی یک کار زشتی مرتکب شوی، به یاد رفاقت بیفتی و پاکی و خوبی او را به یاد بیاوری و خجالت بکشی و آن کار را ترک کنی؟ این دوستی تو را از گناه نجات داده است. در انتخاب رفیق آن چیزی که باید محور باشد، همین مسئله معنویت است، نه مادیات. این باید محور رفاقت باشد. چنین رفاقتی پایدار است و در دنیا و آخرت به دشمنی تبدیل نخواهد شد.

## مشخصات دوست خوب

در معارف ما این مطلب آمده است که اگر خواستی رفیق پیدا کنی، باید به دنبال چه کسی بگردی. اولاً باید رابطه‌ات برای خدا باشد، نه بر محور دنیا. ثانیاً باید طرف مقابلت ویژگی‌هایی داشته باشد تا رفاقت و دوستی‌ات سودمند باشد. شرع به تو مشخصه می دهد. مشخصه‌ها کاملاً بر دو رابطه مطرح است. هم در رابطه با درون افراد، هم در رابطه با بیرون افراد، ملاک‌ها و مشخصاتی بیان شده است.

## ۱- خصوصیات درونی دوست خوب

به طور کلی از نظر درونی، کسی را انتخاب کن که بعد معنوی تو را شکوفا کند. یادآور بُعد معنوی تو باشد. تو را به یاد خدا بیندازد. نه اینکه شهوت تو را تحریک کند یا هواهای نفسانیه تو را برانگیزد. در یک روایت داریم که از پیغمبر پرسیدند بهترین رفیق کیست؟ آدم که می خواهد رفیق انتخاب کند که با او مصاحبت کند و رابطه تنگاتنگ داشته باشد، چه خصوصیتی باید دارا باشد؟ حضرت فرمود: آن کسی که اگر به یاد خدا افتادی، تو را کمک کند و اگر خدا از یادت رفته است، تو را به یاد خدا بیندازد. این جنبه درونی دارد.

## ۲- خصوصیات بیرونی دوست خوب

من درباره بُعد بیرونی، سه تصویر می کنم تا مطلب روشن شود. یک، زبانی؛ دوست باید از نظر بیرونی، یعنی کارها و اعمالی که می خواهم انجام بدهم لفظاً مرا راهنمایی و کمک کند. یعنی اگر دید من دارم معصیت می کنم، من را نهی کند. اگر دارم کار خلاف می کنم، او مرا نهی کند.

دو، عملی؛ اگر دید من دارم کار خیر می کنم، مرا کمک کند که من کار خیرم را ادامه دهم. مرا تشویق کند. مرا به کار خیر امر کند. برای کار خیر مرا کمک کند.

یک چنین رفاقتی انتخاب کن.

سه، رفتاری؛ من کسی را انتخاب کنم که او از نظر عمل به من روش بدهد. با عملش به من کار درست کردن را یاد بدهد. لازم نیست که لفظاً به من چیزی بگوید. عملاً بیاموزد. چرا؟ چون

## آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو



در ابتدا توجه شما رو به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت‌الله‌علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌نمایم. سیر یعنی رفتن؛ اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است. آنچه به ما توصیه شده در باب الگو برداری‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

سؤالی که باید باید باید از خود بپرسیم اینک:

چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟

آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟

می‌فرماید: لکم فی رسول الله اسوه حسنه...

بحث الگو و اسوه داشتن فقط برای مواردی که بر شما دریم نیست.

یک کلام: برای عمل کردن مطابق آن سبکی که از آن الگو گرفته‌ایم.

هدف و دورنمایی مشخص، به مانند ساختن خانه بر روی آب است.

در سال ۱۳۴۹ ه.ش به فکر فعالیت‌های گروهی افتاد و بیشتر این فعالیت‌ها را بر پایه اقدامات سیاسی و ایدئولوژی استوار نمود.

با عشق و علاقه‌ای که به مردم داشت در امتحانات دانشکده مددکاری شرکت کرد. با وجود قبولی در آزمون کتبی این دانشکده، او را به دلیل داشتن روحیه مبارزاتی و اسلامی رد کردند.

حسن اجاره‌دار چند بار به دام ساواک افتاد اما با زیرکی که از ویژگی‌های مؤمنان به شمار می‌رود توانست از چنگال آن‌ها آزاد شود.

او یک بار نیز در سال ۱۳۵۴ دستگیر و بعد از مدتی از زندان آزاد شد.

در سال ۱۳۵۷ ه.ش و با اوج‌گیری مبارزات مردمی علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا در کشورمان، حسن اجاره‌دار به واسطه ارتباط با روحانیت مبارز به ویژه شهیدان آیت‌الله بهشتی، مطهری و حاج

طرخانی، مبارزات خود را قوت بیشتری بخشید.

شهید اجاره‌دار هم چنین در مقطعی که سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، سعی در ایجاد التقاط در مسایل اسلامی و سوق مفاهیم

آن به سوی مارکسیسم را داشت تحت هدایت‌های شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی، به همراه شهید جواد مالکی توانست با برگزاری

کلاس‌های عقیدتی و تهیه جزوات آموزشی و ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی تا حدود زیادی جوانان را از خطر نفاق و التقاط نجات بخشد.

حرکت در مسیر اسلام، تبعیت از مرجعیت و روحانیت، سخت‌کوشی، تلاش برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، توجه به

همنوعان، دوری از کبر و غرور، هوشیاری و تیزبینی و وجودی سرشار از عاطفه و مهربانی از سجایای اخلاقی این جوان مبارز مسلمان بود.

با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعثی صدام علیه ایران بارها به جبهه‌های نور علیه ظلمت رفت، اما خداوند می‌خواست او را با

پیکری خون‌آلود به حضور پذیرد.

بالاخره در هفتم تیر ۱۳۶۰، در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی تهران بر اثر بمب‌گذاری توسط گروه‌های ضدانقلاب در سرچشمه تهران شهید شد.

سوم اسفند سال ۱۳۲۸ ه.ش بود که خانواده حسین اجاره‌دار، شاهد تولد نوزادی بودند که نام او را به تبرک نام دومین ستاره پر فروغ

آسمان ولایت و امامت، حسن نامیدند. پدر شهید حسن اجاره‌دار به

فروش گلاب و آبلیمو اشتغال داشت و تا ۶۵ سالگی در عین فرسودگی جسمی، بار گلاب را در تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد، بر دوش

می‌گذاشت و به خیابان‌ها می‌رفت. شهید، در نوجوانی پدرش را از دست داد و از همان ابتدا با درد و رنج و محرومیت مردمی که خود از

آنان بود و به آنان تعلق داشت آشنا شد.

او از همان دوران کودکی خصایص برجسته‌ای داشت که به خوبی در گفتار و کردار او هویدا بود.

مادرش در این باره می‌گوید: «رفتار او از همان اول با سایر بچه‌ها تفاوت داشت؛ بازی‌هایی که می‌کرد غیر از بازی‌های هم‌سن و

سالان خودش بود.

از همان کودکی قدرت مدیریت و سازمان‌دهی بسیار بالایی داشت. به طوری که، همه بازی‌ها توسط او اداره می‌شد و می‌توانست

شلوغ‌ترین بچه‌ها را دور هم جمع کند.

اگر از کسی حرف نادرستی می‌شنید، شروع به نصیحت کردن می‌نمود. رفتار او به گونه‌ای بود که افراد فامیل با تعجب

می‌پرسیدند، این چه شیری است که این بچه را این‌طور تربیت کرده است؟»

او در کنار تحصیل به کار و کوشش می‌پرداخت و به دلیل شرایط خانوادگی همواره از تحولات شهر قم مطلع بود. از نوجوانی با روحانیت در ارتباط بود

و در سایه آموزش‌های غنی اسلامی و ارتباط صمیمی با روحانیت در وجود خود نسبت به رژیم منحوس پهلوی احساس تنفر و خشم می‌نمود.

فعالیت‌های سیاسی شهید حسن اجاره‌دار به دوران تحصیل او در دبیرستان باز می‌گردد. او با تعدادی از جوانانی که فعالیت‌های ضد رژیم خود را آغاز کرده بودند مأنوس بود و همین امر موجب شد تا به سرعت با ارتقاء بینش سیاسی قدم در راه مبارزه با ظلم و ستم بگذارد. وی معتقد بود حرکت کردن بدون داشتن پایه‌ای استوار و محکم و



# خودآگاهی اسلامی در محور مقاومت

این خودآگاهی اسلامی، پدیده‌ای شگرف و معجزه‌آسا در قلب دنیای اسلام آفریده است که قدرتهای استکباری در برابر آن بشدت دچار مشکلند. نام این پدیده «مقاومت» و حقیقت آن، بروز قدرت ایمان و جهاد و توکل است. این پدیده همان است که دربارهی نمونه‌های از آن در صدر اسلام، این آیه‌ی شریفه نازل شد: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. صحنه‌ی فلسطین یکی از جلوه‌گاه‌های این پدیده‌ی شگفت‌انگیز است که توانسته رژیم طغیانگر صهیونیست را از حالت تهاجمی و عربده‌کشی به وضعیّت دفاع و انفعال بکشانند و مشکلات سیاسی و امنیتی و اقتصادی آشکار کنونی را بر آن تحمیل کند. نمونه‌های درخشان دیگر مقاومت را میتوان در لبنان و عراق و یمن و برخی نقاط دیگر بوضوح مشاهده کرد.

پیام مقام معظم رهبری به حجاج

بیت‌الله الحرام، ۱۷ تیرماه ۱۴۰۱







## درسی از قیام امام حسین (علیه السلام)

ندارد، به کسی رأی بدهیم که یک فایده‌ای برای ما داشته باشد! آن‌هایی که رفتند با عمر سعد بیعت کردند همین‌طوری بودند. همه می‌دانید صبح عاشورا خود عمر سعد اقامه نماز جماعت کرد. امام جماعت بود و همه لشگریان پشت سر ایشان نماز جماعت خواندند. بعدش هم گفت: یا خیل الله ارکبی وبالجنه ابشری؛ ای سواره‌های خدا! سوار شوید بروید امام حسین را بکشید و به بهشت بروید. نگفت من دشمن اسلام هستم. همه‌اش صحبت از اسلام بود و بهشت و... به این شعارها نمی‌شود دل خوش کرد. عمل را باید دید. آدم از هر کس حمایت می‌کند باید ببیند چه قدر به اسلام دلبستگی دارد. اگر این بودیم شاید ما هم جزو لشکر سیدالشهدا علیه‌السلام حساب بشویم ولو آن‌ها هفتاد نفر بیشتر نبودند، والا جزو همان سی هزار یا صدوبیست هزار می‌شویم که همه مسلمان و اهل نماز جماعت بودند، نماز جماعت صدوبیست هزار نفری، حالا صدوبیست هزار نفر نه ده هزار نفر، نماز جماعت ده هزار نفری در بیابان اقامه کنند بعدش هم بروند امام حسین علیه‌السلام را بکشند تا به بهشت بروند! نکنند ما هم این‌طوری بشویم! چه طور شد این‌ها این‌طوری شدند؟! در درجه اول، دینشان را درست نشناختند و دوم هوسشان را کنترل نکردند. اگر علت سومی پیدا کردید به من نشان بدهید. چه طور می‌شود آدم خراب می‌شود؟ یا حقیقت را درست نشناخته و اشتباه کرده، یا شناخته اما هوسش نمی‌گذارد و دلش نمی‌خواهد. علت سومی هم دارد؟! اگر بخواهیم مثل آن‌ها نشویم اول باید شناختمان را نسبت به اسلام تقویت کنیم که اشتباه نکنیم. معرفتمان را نسبت به اسلام عمیق کنیم. اسلام را همه‌جانبه و از عمقش بشناسیم تا دیگران ما را فریب ندهند. دوم، تصمیم بگیریم به اسلام عمل کنیم. خواسته‌های خودمان را فدای خواست خدا و اولیای اسلام کنیم. این دو چیز است؛ از ابتدا باید یاد بگیریم که مدام روزبه‌روز یک چیزی از اسلام بیشتر یاد بگیریم و بیشتر تصمیم بگیریم به احکام اسلام عمل کنیم.

علامه مصباح یزدی،

در دیدار با جمعی از پاسداران، دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۳

درسی که هر عاقلی از داستان عاشورا می‌فهمد این است که برای پیروی از حق، برای احیای دین الهی باید تا پای جان فداکاری کرد. غیر از این است؟! داستان کربلا چیز دیگری را نشان می‌دهد؟! هر کسی به اندازه سهم خودش در هر جایی می‌تواند این کار را انجام بدهد؛ اگر کاسب بازار است در معاملاتش رعایت انصاف بکند، یک مشکلات اقتصادی که گاهی پیش می‌آید در مثلاً بعضی از سوءاستفاده‌های بعضی از مسئولین یا بعضی از شخصیت‌ها یا بعضی از سرمایه‌دارها نتیجه‌اش این می‌شود که یک ملتی را بدبخت می‌کند. مواظب باشیم این کارها را نکنیم و از این‌ها حمایت نکنیم. ما ابزار کسانی که دارند یک مسیر غلطی را پی‌ریزی می‌کنند نشویم! نشود سوار ما بشوند و راه خودشان را طی کنند! از هر کسی می‌خواهیم حمایت کنیم ابتدا ببینیم دینش چیست؟ چه قدر به اسلام علاقه دارد؟ چه قدر دلش می‌خواهد ارزش‌های اسلامی در جامعه پیاده بشود؟ دلمان را فقط به وعده‌های اقتصادی خوش نکنیم! آن‌هم وعده‌هایی که امروز گفته می‌شود و فردا کذبش روشن می‌شود. به این‌ها دل خوش نکنیم! اول سعی کنیم بصیرت پیدا کنیم. کسانی بودند که در کربلا آمدند، جنگ کردند، حتی در لشکر عمر سعد کشته هم شدند و عقیده‌شان این بود که این وظیفه‌شان است! همه شما شاید بدانید شمر بن ذی‌الجوشن از اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود که در جنگ صفین با معاویه می‌جنگید. این آقای شمر یکی از فرماندهان جنگ حضرت علی علیه‌السلام در جنگ صفین بود! چندی بعد آمد در کربلا و پسر علی علیه‌السلام را کشت. گاهی امر بر آدم مشتبه می‌شود. گاهی هواهای نفسانی آدم را از حقیقت غافل می‌کند. دنبال یک چیزی می‌رود که یک منفعتی برایش دارد مثل پست، مقام، پول و رانت. دیگر طرفدار آن کسی که برایش رانت درست کرده است می‌شود. به چه کسی رأی بدهیم؟ به آن کسی که رفیق هستیم، ما یک حرفی بزنیم رد نمی‌کند، یا همشهری هستیم، یا مثلاً دوستیم، همکلاسی بودیم، این‌ها را ملاک قرار بدهیم. دین چی؟ آقا! دیگر همه دین دارند، دیگر همه مسلمان‌اند، چه فرقی می‌کند؛ چه این باشد چه آن. اینکه باشد اقبالاً برای ما یک فایده‌ای دارد! ضرری که

# نقش یهود در تحریف واقعه‌ی کربلا

مخدره چمن خواه

تغییر کند و دگرگون شود؟! که به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) حمله کنند و آن را به آتش بکشند و یا حضرت علی (علیه السلام) را به زور برای بیعت به مسجد ببرند و دیگر وقایعی که بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رخ داده است. تحلیل این واقعه نشان می‌دهد که «جریان‌سازی» این حوادث از قبل طراحی شده است. با اشاره به ریشه دشمنی‌ها، به خطبه‌ای که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بیان می‌دارند، توجه کنیم: «می‌دانید منشأ این جنگ داخلی چیست؟ می‌دانید چه کسی شما را وادار کرده که این آتش مشتعل را شعله‌ور کنید؟ کسی که دشمن مشترک من و شماست (و هشتمین علینا نار الفتن التي خبأها عدوكم و عدوتنا) الان شما باد می‌زنید به آتش فتنه‌ای که این آتش را، دشمن مشترک من و شما ایجاد کرده. شما دشمن نیستید، شما را بازی دادند».

حال این دشمن را در زیارت عاشورا که حدیث قدسی هست، می‌یابیم. در زیارت عاشورا اینگونه می‌خوانیم: اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدا به اولاء ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامسا و العن ...

اینجاست که می‌بینیم یزید نفر پنجم لعن است و «اول ظالم» با تمام ظالمان متفاوت است. این «اول ظالم» کیست؟ خدایا تخصیص بزن لعن را با اول ظالم، سپس آغاز کن به سبب این تخصیص، اولی را لعن کن و بعد دومی، سومی، چهارمی و پنجمی که یزید است. بنابراین نفر اول با اولی فرق می‌کند. باید به این کلید واژه‌های قرآنی و ادعیه دقت کنیم. در زیارت عاشورا حدود ۳۰ سلام و ۶۰ لعن داریم و این یعنی اهمیت دشمن شناسی. در قرآن دشمنان مسلمانان بارها معرفی شده‌اند. گروه اول مشرکان، گروه دوم منافقان و گروه سوم یهود و نصاری هستند. اگر دقت کنیم می‌بینیم که حدود یک ششم از آیات قرآن به بنی اسرائیل اختصاص دارد و این تاکید ناشی از میزان ضربه زننده بودن این دشمن است که باید مورد توجه قرار گیرد. و غفلت اصلی نیز از همین نقطه است. منافقان در واقع پیاده نظام این گروه هستند و در صدر اسلام نیز ضربات اصلی از توطئه‌های یهود و نصاری به دین وارد شد.

بنابراین می‌توان گفت که یهود چه در جریان سقیفه و چه در شکل‌گیری و تحکیم خلافت خلفای سه‌گانه و چه در استقرار معاویه و قدرت بخشی به این حزب در شام و علم کردن آن‌ها در مقابل حکومت امام علی (علیه السلام) و شهادت امام حسن (علیه السلام) و شکل‌گیری حادثه کربلا چه به صورت مستقیم و چه به واسطه حزب اموی نقشی غیر قابل انکار داشته است.

آنچه امروز در خاورمیانه، در سوریه و فلسطین شاهد هستیم؛ چیزی جدای از این نقشه‌ی محرف بنی اسرائیل نیست. بنی اسرائیل سعی می‌کند با غصب موقعیت‌های بنی اسماعیل، مسیر تاریخ را عوض کنند و از غفلت‌های مسلمانان در برهه‌های مختلف تاریخ، نهایت بهره را ببرند.

مطالعه تاریخ یهود چه در عصر حضرت موسی (علیه السلام) و چه بعد از آن و حتی در زمان حضرت داود و سلیمان و بعد از آن تا زمان حضرت عیسی (علیه السلام) نشان می‌دهد که در کنار وجود جریان موحد و خدا پرست در بین یهود، «جریانی» قوی نیز وجود داشته است که گاهی در قالب جبهه نفاق و گاهی به صورت آشکار، کاملاً در مقابل جریان حق بوده‌اند. اشاراتی که در قرآن به قتل پیامبران (علیهم السلام) توسط گروهی از آن‌ها و مخالفت‌هایی که با حضرت موسی (علیه السلام) و جانشینان ایشان و کارشکنی‌های آن‌ها در موقعیت‌های مختلف و اتهام به پیامبرانی همچون داود و سلیمان، نشان از وجود چنین «جریانی» قوی در بین قوم یهود است.

روشن است که این «جریان» از پیش‌بینی‌های تورات و دیگر کتب مقدس در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز مطلع بوده‌اند. بنابراین در ادامه کارشکنی‌های خود در مقابل جبهه حق، سعی در طراحی نقشه‌هایی متعدد برای مقابله با حرکت پیامبر اسلام نیز داشته‌اند. وجود برخی شواهد در تاریخ اسلام، چنین تهدیدی از طرف یهود را نشان می‌دهد.

بنی اسرائیل از زمان حضرت عیسی (علیه السلام) تا زمان بعثت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) ۶۰۰ سال فرصت داشتند تا خود را برای استقبال از پیامبر آخرالزمان آماده کنند؛ اما این حسد؛ چرا که تاسیس حکومت جهانی در آخرالزمان توسط بنی اسماعیل تشکیل می‌شود، باعث شد تمام قوای‌شان را برای جلوگیری از تولد پیامبر آخرالزمان و شکل‌گیری اسلام و موفقیت اوصیای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به کار گیرند.

در بررسی نقش یهود در تاریخ اسلام ۳ نظریه وجود دارد. نظر اول قائل بر این است که یهود هیچ‌گونه دخل و تصرفی در تاریخ نداشته است و عنایتی به منابع قرآنی و روایی ندارند، دسته دوم بر اساس آیات قرآن و روایات، برای یهود نقشی قائل هستند؛ اما یهود را به عنوان دشمن اصلی اسلام نمی‌شناسند، بلکه او را یکی از گروه‌های مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله) ترسیم می‌کنند به طوری که جمع زیادی از محققان، در این گروه قرار می‌گیرند.

دسته سوم با استفاده از منابع مستدل و ادله محکم، یهود را سرمنشأ حوادث فتنه و ریشه خیانت می‌دانند، با توجه به این که از واقعه غدیر خم تا غصب خلافت تنها ۷۲ روز فاصله بود، چرا جامعه سکوت کرده است؟ می‌توان قبول کرد در این ۷۲ روز یک انقلاب فرهنگی رخ داده است؟ نمی‌توان گفت تنها دو نفر در این ماجرا توانسته‌اند خط فکری جامعه را این‌گونه متحول سازند.

چگونه ممکن است پس از رحلت پیامبر (ص) جامعه‌ای ۱۸۰ درجه

# دعای عهدشان را چگونه زمزمه می کردند...؟!

خاطرات؛

آن تصویرهای نورانی و دلبر...

همان‌ها که یادآوری‌شان امیدبخش است و  
خاطرات قلب‌های شجاعی که به نام شما، پای  
در میدان جهاد گذاشتند و از همه چیزشان گذشتند.

گاهی فکر می‌کنم چگونه به شما سلام می‌دادند؟  
دعای عهدشان را چگونه زمزمه می‌کردند که جاری و  
ساری می‌شد در رفتارهای‌شان، در عمل‌شان...

چگونه به شما توسل می‌کردند که...

شنیده‌ام، اسم‌تان را که به مددخواهی می‌آوردند، کارهای‌شان آسان  
می‌شد.

چنین بوده که هرگز گم نشدند؛

در کوره‌راه‌های امتحان و بلا...

و شد عاقبت‌شان، بهترین عاقبت‌ها.

و بعد خیالم می‌رود پیش آن رزمنده‌ای که ساده‌ی ساده‌ی ساده،

خالص خالص خالص،

شما را طلب می‌کرد و بالأخره قفل آن در بسته، برایش باز می‌شد.

مولا جان،

ما هر چند غافل، اما یادمان هست که شما آقای ما هستید و صاحب ما هستید و در راه هستید و دعاگوی ما هستید و...  
ما، قلب‌مان اگرچه مهجور، ولی محبّ شماست و دعا می‌کند که ذره‌ذره وقف شما شود.

آقا جان،

محرم نزدیک است و آن قافله‌ی همیشه در حرکت ابا عبدالله (علیه السلام)، دوباره به ما رسیده است.  
نگاه‌مان کن و نم چشمی و شور و شعوری عنایت کن که از قافله‌ی حسین (علیه السلام) جامانده نشویم.  
به حق علمدار حسین (علیه السلام)

الگوساز





آموزشگاه نوکاو برگزار می نماید:

## استاد محمد علی نعمتی

دانش آموخته طب ایرانی اسلامی

مربی ۱۳ سبک ماساژ

مربی فیتنس و بدنسازی



## آموزش ماساژ تخصصی ، دوره ی کاربر ماساژ

### حضور، نیمه حضوری، غیر حضوری

- آموزش کامل سرفصل های تفصیلی ماساژ در چهار روز
- آموزش رویکرد ماساژ ریلکسی، ورزشی، زیبایی و درمانی
- پشتیبانی مستقیم مربی در آموزش های نیمه حضوری و غیر حضوری
- معرفی بازار کار آموزش و خدمات ماساژ به هنرجو دوره

با ارائه مدرک رسمی و بین المللی

از سازمان فنی و حرفه ای کشور

ارتباط با ما



۰۲۱۵۵۴۹۰۵۸۲



۰۹۳۹۲۵۰۵۷۸۳



www.nokavedu.ir



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات تثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: [www.osveh.org](http://www.osveh.org)

فروشگاه اینترنتی: [www.osvehshop.com](http://www.osvehshop.com)

کانال تلگرام: [osveh\\_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh\\_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni\\_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: [www.nokavedu.ir](http://www.nokavedu.ir)

مرکز مشاوره اسوه: [www.osvehgap.ir](http://www.osvehgap.ir)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر- روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵